



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### مقدمه

موج مخاصمات مسلحانه در سراسر جهان، موجب افزایش حضور کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری در دیوان‌های داوری شده است. سرمایه‌گذاران غالباً در این دعاوی به دنبال جبران خسارات ناشی از حملات خشونت‌آمیز و عملیات نظامی هستند. در این راستا، دیوان‌های داوری با توجه به وجود مخاصمات مسلحانه، بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به ارزیابی اقدام‌های دولت میزبان می‌پردازند. این قواعد بر اساس اصل بنیادین تفکیک، دولت مهاجم و دولت مدافع را ملزم به تفکیک قائل شدن میان نظامیان و غیرنظامیان می‌کند و آن‌ها را متعهد می‌کند که تا حد امکان از غیرنظامیان محافظت کنند و در صورت قصور در انجام اقدامات احتیاطی، مسئولیت بین‌المللی را بر آن‌ها بار می‌کند.

علاوه بر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، معاهدات سرمایه‌گذاری نیز حاوی مقرراتی در مورد حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در زمان مخاصمات مسلحانه هستند. این مقررات، دولت میزبان را ملزم می‌سازد که در زمان بروز مخاصمه، اقدامات مقتضی<sup>۱</sup> را برای حفاظت از سرمایه‌گذار طبق استاندارد حمایت و امنیت کامل<sup>۲</sup> به عمل بیاورد و یا حداقل همان رفتاری که با سرمایه‌گذار خود یا با سرمایه‌گذار کشور ثالث دارد را با سرمایه‌گذار طرف معاهده نیز داشته باشد.

بنابراین، کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری که درگیر مخاصمات مسلحانه هستند، علاوه بر تعهدات حقوق بشردوستانه، ملزم به رعایت تعهدات خود در معاهدات سرمایه‌گذاری نیز هستند. در نتیجه، در این‌گونه دعاوی این سؤال مطرح می‌شود که تعامل میان قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در باب حفاظت از سرمایه‌گذاران خارجی در هنگام مخاصمات مسلحانه چگونه خواهد بود.

این مقاله در گفتار اول، به شرح قواعد مربوط به حفاظت از سرمایه‌گذاران خارجی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری می‌پردازد و در گفتار دوم، قواعد حقوق

---

1. Due Diligence  
2. Full Protection and Security

بین‌الملل بشردوستانه در باب حفاظت از غیرنظامیان که شامل سرمایه‌گذار خارجی نیز می‌شود را مورد بررسی قرار می‌دهد. پس از آن در گفتار سوم، به این سؤال می‌پردازد که آیا قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص حفاظت از سرمایه‌گذار همسو هستند یا خیر؟ و در صورت لزوم انتخاب یکی از آنها، اولویت با کدام یک خواهد بود و انتخاب هریک چه تبعاتی را در دعاوی سرمایه‌گذاری ناشی از مخاصمات مسلحانه خواهد داشت؟ تبیین این رابطه به‌ویژه برای استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت میزبان از اهمیت عملی بالایی برخوردار است که تاکنون در ادبیات حقوقی موجود به آن پرداخته نشده است.

### ۱. حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری

حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری دست‌کم در دهه‌های اخیر به عرصه‌ای معاهده‌محور تبدیل شده است که نتایج اختلافات و اقدامات گوناگون از لحاظ حقوقی در آن تا حدود زیادی به متن معاهدات بستگی دارد (غمامی و صدیقی، ۱۳۹۷: ۱۳۰). بر اساس این معاهدات، سرمایه‌گذاران بدون نیاز به اینکه دولت متبوع، جانشین آن‌ها در اقامه دعوا شود و حتی بدون نیاز به اذن این دولت، این امکان را دارند که به صورت مستقیم اقدام به طرح دعوا از طریق داوری، علیه دولت میزبان کنند (میرعباسی و سیاوش‌پور، ۱۳۹۸: ۱۱۱۰) و با استناد به نقض تعهدات مندرج در معاهده، مسئولیت را بر دولت میزبان بار کنند؛ بنابراین این سؤال مقدماتی مطرح می‌شود که تا چه حد بروز مخاصمات مسلحانه بر استمرار اعمال معاهدات مربوط به حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی تأثیر می‌گذارد؟ با تلاش کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل<sup>۱</sup>، یک پیش‌نویس در خصوص آثار مخاصمات مسلحانه بر معاهدات در سال ۱۳۹۰ منتشر شده است که می‌تواند منعکس‌کننده موضع فعلی حقوق بین‌الملل در این خصوص تلقی شود. این پیش‌نویس، مخاصمات مسلحانه را به‌عنوان خشونت مسلحانه میان دولت‌ها یا خشونت مسلحانه طولانی‌مدت بین مقامات دولتی و گروه‌های مسلح سازمان‌یافته تعریف می‌کند

1. International Law Commission of the United Nations (ILC)

(2: ILC, 2011); بنابراین، این تعریف شامل هر دو مورد مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی می‌شود.

پیش‌فرض پیش‌نویس فوق‌الذکر، تداوم معاهدات در زمان مخاصمات مسلحانه است و بیان می‌دارد که آغاز یک درگیری مسلحانه به خودی خود موجب خاتمه یا تعلیق معاهدات نخواهد شد (3: ILC, 2011). به‌علاوه، این پیش‌نویس فهرستی از معاهداتی ارائه می‌دهد که موضوع آن‌ها این‌ها این‌ها را دارد که در زمان مخاصمات مسلحانه نیز به حیات خود ادامه دهند. این فهرست شامل معاهدات مودت، تجارت و دریانوردی<sup>۱</sup> و موافقت‌نامه‌های مشابه در مورد حقوق خصوصی و همچنین معاهدات مربوط به داوری‌های تجاری می‌شود (7: ILC, 2011). زمانی که یک معاهده در متن خود حاوی مقرراتی است که صریحاً برای اعمال در زمان مخاصمات مسلحانه تدوین شده است، این مقررات باید اعمال شوند (4: ILC, 2011) و نمی‌توان بر توقف آن‌ها استدلال کرد. معاهدات سرمایه‌گذاری نیز غالباً حاوی مقررات خاصی هستند که به تبعات مخاصمات مسلحانه پرداخته‌اند.

نکته قابل ذکر آنکه، خاتمه یا تعلیق معاهده در زمان مخاصمه مسلحانه باید منوط به تشریفات خاصی باشد. کشور متعاهدی که قصد خاتمه یا تعلیق معاهده را دارد باید ابتدا آن را اعلام کند (9: ILC, 2011). اگر این خاتمه یا تعلیق موجب آسیب به طرف متعاقد دیگر شود، طرف آسیب‌دیده می‌تواند به این امر اعتراض کند (9: ILC, 2011) که غالباً منجر به استفاده از سازوکار حل و فصل اختلاف خواهد شد. حقوق و تعهداتی که دولت‌ها در رابطه با حل و فصل اختلافات بر عهده دارند به موجب اعلامیه لغو یا تعلیق از بین نمی‌رود، زیرا تعهداتی که طبق حقوق بین‌الملل مستقل از معاهده هستند، علی‌رغم خاتمه یا تعلیق معاهده به قوت خود باقی می‌مانند (11: ILC, 2011).

بنابراین به‌عنوان یک قاعده، معاهداتی که در خصوص حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی منعقد شده‌اند مانند معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، پس از وقوع مخاصمات مسلحانه نیز به حیات خود ادامه می‌دهند؛ به‌خصوص در مواردی که این معاهدات در

1. Treaty of Friendship, Commerce and Navigation

مقررات خود صریحاً به تبعات منحصمات مسلحانه پرداخته باشند. معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری شامل انواع مختلفی از مقررات مربوط به شرایط خشونت‌آمیز از جمله منحصمات مسلحانه هستند. این مقررات معاهداتی، از منافع سرمایه‌گذار و دولت میزبان حتی در وضعیت منحصمات مسلحانه محافظت می‌کنند. بعضی از این مقررات معاهداتی توسط دیوان‌های داوری تفسیر و اعمال شده‌اند.

برای مثال، برخی معاهدات دارای شرط امنیت ملی<sup>۱</sup> یا نظم عمومی<sup>۲</sup> کشور میزبان هستند. این مقررات این حق را برای دولت قائل هستند که اقدام‌هایی را برای حفاظت از منافع اساسی خود در شرایط اضطراری مانند منحصمات مسلحانه انجام دهد. نگرانی تهدید امنیت ملی در اثر ورود سرمایه‌گذار خارجی همواره در میان کشورها وجود دارد ولی در مقاطع تاریخی خاصی مثل بروز جنگ یا درگیری‌های منطقه‌ای این حساسیت به اوج خود می‌رسد (شیروی و پوراسماعیلی، ۱۳۹۲: ۳۳). یک نمونه از این شرط، در ماده ۱۴ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری سنگاپور در سال ۱۳۹۴ بیان می‌دارد که هیچ‌یک از مفاد این موافقت‌نامه نباید به نحوی تفسیر شود که یکی از طرفین معاهده را از انجام اقداماتی که برای حمایت از منافع مهم امنیتی خود در زمان جنگ یا دیگر حالت‌های اضطراری ضروری می‌داند منع کند.

مثال دیگر، شرط جنگ<sup>۳</sup> است که به طور خاص به جنگ و دیگر منحصمات مسلحانه می‌پردازد. شرط جنگ ساده، صرفاً دولت میزبان را در خصوص اقدام‌هایی که در مواجهه با خسارات ناشی از منحصمات مسلحانه و شرایط مشابه انجام می‌دهد به عدم تبعیض میان سرمایه‌گذار تحت پوشش معاهده و سرمایه‌گذار تبعه خود یا سرمایه‌گذار کشور ثالث، متعهد می‌کند؛ اما شرط جنگ موسع از تعهد به عدم تبعیض فراتر رفته و جبران خسارات ناشی از این وضعیت را با شرایط خاصی تعهد می‌کند. یک نمونه از این شرط در ماده ۷ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان دولت جمهوری

1. National Security  
2. Public Order  
3. War Clause

اسلامی ایران و دولت پادشاهی سوئد در سال ۱۳۸۴ آمده است که بند اول آن، دولت میزبان را از تبعیض در خصوص پرداخت هر نوع خسارت ناشی از مخاصمه مسلحانه، انقلاب یا حالت اضطراری یا وقایع مشابه منع می‌کند و بند دوم آن، تخریب غیرضروری سرمایه‌گذاری و یا مصادره سرمایه‌گذاری توسط دولت میزبان را منوط به جبران خسارت فوری، کافی و مؤثر می‌کند.

اما رایج‌ترین و پرکاربردترین شرطی که در خصوص حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در زمان مخاصمات مسلحانه می‌توان در اکثر معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری یافت، شرط مهیا کردن حمایت و امنیت کامل برای سرمایه‌گذار است. طبق این شرط، کشور میزبان متعهد به انجام اقدام‌هایی است که سرمایه‌گذار خارجی را در برابر اعمال و تأثیرات نامطلوب و مضر محافظت کند، این تأثیرات نامطلوب بر سرمایه‌گذار خارجی ممکن است از اعمال دولت میزبان و نهادهای وابسته به دولت نشئت گیرد یا از اعمال اشخاص ثالث ایجاد شود (دالزر و شروتر، ۱۳۹۵: ۲۴۲). در نتیجه، نیروهای پلیس و نظام قضایی و اداری دولت میزبان به موجب استاندارد حمایت و امنیت کامل باید سلامت فیزیکی سرمایه‌گذار و سرمایه‌گذاری خارجی را تأمین کنند (عسکری، ۱۳۹۴: ۱۲۷). یک نمونه از این شرط در ماده ۵ معاهده دوجانبه سرمایه‌گذاری میان جمهوری اسلامی ایران و ژاپن در سال ۱۳۹۴ بیان می‌کند که سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران هر طرف معاهده در قلمرو طرف دیگر باید از حمایت و امنیت کامل برخوردار باشد و معیار این حمایت، قاعده حداقل سطح رفتار با بیگانگان در حقوق بین‌الملل عرفی است.

نمی‌توان نادیده گرفت که دولت میزبان قادر نیست همان سطح حمایتی را که در زمان صلح از سرمایه‌گذاری دارد، در زمان جنگ نیز داشته باشد. در نتیجه تعهد به حمایت و امنیت کامل سرمایه‌گذار خارجی یک تعهد مطلق نیست و یک تعهد نسبی را بر دولت میزبان بار می‌کند. به این معنا که دولت میزبان نمی‌تواند تعهد کند که در زمان مخاصمات مسلحانه، هیچ خسارتی به سرمایه‌گذار وارد نخواهد شد و یا هر خسارتی که به سرمایه‌گذار وارد شود توسط وی جبران خواهد شد؛ بلکه تعهد دولت تنها محدود به آن است که با توجه به شرایط و منابع موجود خود، اقدامات لازم و مقتضی

را برای حفاظت از سرمایه‌گذار در شرایط مخاصمات مسلحانه انجام دهد. انجام اقدامات مقتضی مستلزم آن است که دولت میزبان از یک‌سو در هنگام اجرای عملیات نظامی خود به سرمایه‌گذاری خارجی آسیبی نرساند و از سوی دیگر از سرمایه‌گذاری در مقابل حملات طرف متخاصم تا جایی که این حملات قابل پیش‌بینی هستند، محافظت کند.

از مصادیق این اقدامات می‌توان از مسلح کردن کارگران، ساخت پناهگاه و ایجاد ایست‌های بازرسی در اطراف منطقه سرمایه‌گذاری نام برد. در واقع، تعهد دولت میزبان تحت این استاندارد نوعی تعهد به وسیله است و نه تعهد به نتیجه (حسیبی، ۱۳۹۰: ۲۵۸)؛ بنابراین، در صورتی که اقدامات مقتضی برای حفاظت از سرمایه‌گذاری به‌درستی صورت گرفته باشد ولی با این وجود، خسارتی متوجه سرمایه‌گذاری شود، تحت استاندارد حمایت و امنیت کامل نمی‌توان دولت میزبان را مسئول قلمداد کرد (رئیی و انصاری مهباری، ۱۳۹۷: ۶۹).

## ۲. حقوق بین‌الملل بشردوستانه

مخاصمات مسلحانه، تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند. این قواعد به طور خاص برای اعمال در شرایط مخاصمات مسلحانه از لحظه شروع مخاصمه تا پایان یافتن آن به نحوی که دیگر خطر ادامه مخاصمه وجود نداشته باشد طراحی شده‌اند. نکته مهم آن‌که حقوق بین‌الملل بشردوستانه، طرفین مخاصمه را به طور یکسان بدون توجه به انگیزه آن‌ها و یا ماهیت یا منشأ مخاصمه به قواعد خود ملزم می‌کند. این به آن معناست که طرفین مخاصمه نمی‌توانند با استناد به اینکه خشونت مقتضای ذات مخاصمه است، نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه را توجیه کنند بلکه آن‌ها باید تعهدات مربوط به حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در هر شرایطی رعایت کنند.

حقوق بین‌الملل بشردوستانه با اهداف بشردوستانه درصدد است تا با محافظت از غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی که شرکتی در مخاصمه ندارند، اثرات مخاصمات

مسلحانه را محدود کند (Gasser & et al. 1987: 1882). بر اساس اصل بنیادین تفکیک<sup>۱</sup>، حملات باید تنها به سمت اهداف نظامی هدایت شوند و اهداف غیرنظامی را نمی‌توان هدف حملات قرار داد (API, 1977: 48-52).

کشور مهاجم و کشور مدافع هر دو، مسئولیت اعمال اصل تفکیک را بر عهده دارند. کشور مدافع باید جمعیت و اشیاء موجود در قلمرو خود را به بهترین نحو کنترل کند. کشور مهاجم نیز باید در تصمیم‌گیری برای انتخاب اهداف، ابزارها و شیوه‌های حمله به این اصل توجه داشته باشد (API, 1977: 57-58). در واقع مهم‌ترین هدف حقوق بشردوستانه، احترام به افراد و اموال غیرنظامی و حفاظت از آن‌ها در برابر آثار مخاصمات است. حتی زمانی که حمله‌ای به طور قانونی انجام شود، حقوق بشردوستانه محدودیت‌های بیشتری را در قالب الزام به انجام اقدامات احتیاطی، هم از طرف کشور مهاجم و هم از طرف کشور مدافع قرار می‌دهد تا اثرات مخاصمه بر افراد و اهداف غیرنظامی را خنثی کرده یا به حداقل برساند. این تعهدات احتیاطی بخشی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی را تشکیل داده و عمدتاً در مواد ۵۷ و ۵۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون ژنو که ناظر بر مخاصمات بین‌المللی است منعکس شده‌اند. بر اساس این دو ماده، کشورها چه حمله‌کننده باشند و چه مورد حمله واقع شوند، ملزم هستند اقدامات احتیاطی را برای حفاظت از اهداف غیرنظامی تحت کنترل خودشان که سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز از اهم موارد آن است، انجام دهند. طبق ماده ۵۲ پروتکل تا زمانی که از سرمایه‌گذاری خارجی استفاده نظامی نشود، آن‌ها به‌عنوان اهداف غیرنظامی شناخته می‌شوند و نمی‌توانند مستقیماً هدف حمله واقع شوند. این امر تعهدی را بر کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری که درگیر مخاصمات هستند بار می‌کند که چه در زمانی که حمله می‌کنند و چه در زمانی که مورد حمله واقع می‌شوند، از سرمایه‌گذاری‌های خارجی محافظت پایدار کنند و اقدامات مقتضی را جهت حفاظت از اموال سرمایه‌گذاران در برابر تخریب توسط خود دولت یا اشخاص ثالث انجام دهند.

ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی بیانگر تعهد حمله‌کننده به حفاظت از غیرنظامیان



است و بر اساس این دیدگاه بنا شده که چون حمله کننده به تنهایی در مورد اهداف، ابزارها و شیوه حمله تصمیم گیری می کند، این وظیفه را بر عهده دارد که در انجام عملیات نظامی خود از افراد و اموال غیرنظامی تحت کنترل خود محافظت کند. این ماده یک فهرست جامع از اقداماتی که در زمان برنامه ریزی حمله باید انجام شود ارائه می دهد که شامل موارد زیر می شود:

- انجام هر اقدام امکان پذیر برای آنکه روشن شود اهداف مورد حمله، اموال و اشخاص غیرنظامی و تحت حفاظت خاص نیستند؛
- انجام هر اقدام امکان پذیر برای انتخاب ابزارها و شیوه های حمله به نوعی که مانع از خسارات غیرنظامی شود یا آنها را به حداقل برساند؛
- جلوگیری از حملاتی که انتظار می رود خسارات نامتناسب غیرنظامی داشته باشند؛

- تعهد به تعلیق یا لغو حمله در صورت آشکار شدن ممنوعیت آن؛
- اعلام اخطار پیشگیرانه و مؤثر مگر اینکه شرایط چنین اجازه ای ندهد؛
- در صورت امکان، انتخاب اهداف نظامی که کمترین خطر را برای جمعیت غیرنظامی داشته باشد.

ماده ۵۸، بالعکس در مورد اقدامات احتیاطی است که کشوری که مورد حمله واقع شده باید به نفع مردم غیرنظامی «تحت کنترل» خود انجام دهد. این تعهد بر این عقیده استوار است که مؤثرترین راه برای اطمینان از امنیت مردم غیرنظامی آن است که مسئولیت سنگینی را بر کشور مدافع بار کنیم، زیرا کشور مدافع، دانش بیشتر و کنترل بهتری نسبت به محل قرارگیری افراد و اموال غیرنظامی مستقر در قلمرو خود دارد. بر این اساس، ماده ۵۸ کشورها را ملزم می کند که تا جایی که امکان پذیر است، افراد و اموال غیرنظامی را از مجاورت اهداف نظامی دور کنند، از قرار دادن اهداف نظامی در داخل یا نزدیک مناطق پرجمعیت پرهیز کنند و اقدامات احتیاطی دیگر را که برای محافظت از افراد و اموال غیرنظامی در برابر خطرات ناشی از عملیات نظامی لازم است انجام دهند. در واقع ماده ۵۸، جنبه تکمیل کننده حمایت های مورد اشاره در ماده ۵۷ را

دارد و عدم رعایت تعهدات وفق ماده ۵۸ توسط طرف مدافع، طرف متخاصم حمله‌کننده را از عمل به تعهدات ماده ۵۷ معاف نمی‌کند (عسکری، ۱۳۹۷: ۱۲۸).

در مورد این دو ماده نکاتی چند قابل ذکر است:

قلمرو ماده ۵۷ و ۵۸ با واژه «تحت کنترل» محدود شده است. ماده ۵۷ حاوی مقررات رفتاری است که باید در قلمرو تحت کنترل کشور مهاجم رعایت شود و ماده ۵۸ حفاظت از افراد و اموال نظامی را که تحت کنترل کشور مدافع هستند، شامل می‌شود. اگرچه زبان عبارت فوق و استفاده از عبارت «قلمرو تحت کنترل» ممکن است یک محدودیت سرزمینی تلقی شود، اما بررسی تاریخیچه پیش‌نویس پروتکل الحاقی نشان می‌دهد که اصطلاح «تحت کنترل» بر «تحت اختیار» ترجیح داده شده است تا این تعهد، افرادی را که لزوماً عبارت «تحت اختیار»، آن‌ها را در بر نمی‌گیرد نیز شامل شود. بدیهی است که عبارت «تحت کنترل»، برای برجسته کردن جنبه عملی تعهد به انجام اقدامات احتیاطی نسبت به جنبه قانونی آن به کار گرفته شده است؛ بنابراین تعهد به انجام اقدامات احتیاطی نه تنها جمعیت خود کشور میزبان سرمایه‌گذاری، بلکه سایر افراد و اموالی که به طور موقت تحت کنترل وی هستند از جمله پناهندگان، بیگانگان و سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در بر می‌گیرد (Rogers, 1999: 75-76).

الزام به انجام اقدامات احتیاطی، تعهدی را بر کشورها بار می‌کند که ارزیابی آن بر اساس تلاش‌های صورت گرفته توسط کشورهاست و نه نتایجی که از این تلاش‌ها به دست آمده است (Trapp, 2013: 156).

- در این مواد، مفهومی به‌عنوان «امکان‌پذیر بودن» معیار قرار داده شده است. در رابطه با معنای معیار «امکان‌پذیر بودن»، کشورها، نظریه‌پردازان و رویه‌های موجود بیان می‌کنند که منظور از «اقدامات احتیاطی امکان‌پذیر»، اقداماتی است که با در نظر گرفتن کلیه شرایط حاکم در زمان مخاصمه از جمله ملاحظات بشردوستانه و نظامی، عملی و قابل اجرا هستند و شرایط قبل یا بعد از زمان مخاصمه ملاک ارزیابی این اقدامات نیست. آنچه از این مواد مشخص است آن است که در هنگام ارزیابی رعایت یا عدم رعایت تعهد انجام اقدامات احتیاطی، باید به توانایی‌ها، منابع و شرایط هرکدام از

طرفین مخاصمه مسلحانه توجه کرد. در واقع مسئولیت بین‌المللی هر دولت محدود به میزان توانایی آن دولت است (Trapp, 2013: 70-72).

- ذکر معیار «امکان‌پذیر بودن» بیانگر تمایل جامعه جهانی برای افزایش حمایت از اشخاص غیرنظامی است اما به گونه‌ای که محدودیت‌های غیرمنطقی بر توانایی دولت در دفاع از خود ایجاد نشود. مسلماً، هرگونه ارزیابی امکان‌ات مطابق این رویکرد، باید واقع‌بینانه و با توجه به شرایط باشد و به محدودیت‌های بودجه حتی در ثروتمندترین کشورها و پیشرفته‌ترین ارتش‌ها نیز توجه کند (Schmitt, 2005: 167-170). دستورالعمل‌های نظامی برای ارزیابی آنکه چه اقداماتی «امکان‌پذیر» هستند، ملاحظات نظامی و بشردوستانه را برشمرده‌اند، از جمله:

- آثار انجام اقدامات احتیاطی بر اجرای عملیات؛
- میزان منافع بشردوستانه که از اقدامات احتیاطی حاصل می‌شود؛
- هزینه انجام اقدامات احتیاطی از نظر زمان، منابع و پول (DoD: 2015: 5.3.3.2).

بنابراین، نتیجه آن می‌شود که حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کشورهای میزبان سرمایه‌گذاری را ملزم می‌کند تا اقدامات مقتضی را برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌هایی که تحت کنترل آن‌هاست در برابر آثار مخاصمات انجام دهند. تعهد بین‌المللی به انجام اقدامات احتیاطی، محدود به منابع و ظرفیت‌های مالی و فنی کشور میزبان سرمایه‌گذاری است که درگیر مخاصمه شده است (Trapp, 2011: 70).

نکته دیگر آنکه، تا جایی که کشورها به تعهد خود مبنی بر حفاظت از افراد و اموال غیرنظامی در برابر خطرات ناشی از مخاصمات احترام گذاشته و پایبند باشند، حقوق بین‌الملل نیز حق کشورها را در اولویت‌بندی تخصیص منابع خود مطابق با قوانین و سیاست‌های داخلی آن‌ها به رسمیت می‌شناسد. حقوق بین‌الملل بشردوستانه اولییتی برای تخصیص بودجه کشورها پیشنهاد نمی‌کند، زیرا با توجه به برابر نبودن منابع و امکان‌ات کشورها، اضافه کردن هر قید خاص به قاعده انجام اقدامات مقتضی برای حفاظت از غیرنظامیان، موجب آن می‌شود که کشورهایی که منابع محدودی دارند ملزم به رعایت استانداردهایی شوند که تنها برای کشورهای توسعه‌یافته مناسب است و

در عمل هرچه کشورهای در حال توسعه به طور هوشیارانه از منابع محدود خود برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در برابر جنگ، شورش، تروریسم یا هر نوع مخاصمه استفاده کنند، باز هم ناقض حقوق بین‌الملل شناخته خواهند شد (Trapp, 2013: 161). در نتیجه، امکانات کشور میزبان در شرایط مخاصمه، ملاک ارزیابی رعایت یا عدم رعایت قاعده حفاظت از غیرنظامیان قرار داده شده است.

### ۳. تعامل میان حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه

تعهد نسبی کشور میزبان سرمایه‌گذاری به انجام اقدامات مقتضی به منظور حفاظت از سرمایه‌گذاری در خلال مخاصمات مسلحانه هم در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و هم در حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد. با وجود این، هر شباهتی در این مرحله نظری بوده و باید در عمل مورد سنجش قرار گیرد. در واقع، ارتباط میان استاندارد معاهداتی حمایت و امنیت کامل و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه باید روشن شود، زیرا این رابطه، به‌ویژه برای استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت میزبان، از اهمیت عملی برخوردار است.

لازم است ذکر کنیم که مسئله در اینجا رابطه کلی میان دو رژیم حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری نیست بلکه رابطه میان قواعد خاص متعلق به این دو رژیم است که به وضعیت خاص سرمایه‌گذاری‌های آسیب‌دیده بر اثر عملیات نظامی در خلال مخاصمات مسلحانه می‌پردازند. به بیان دقیق‌تر، استاندارد حمایت و امنیت کامل در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری که اقدامات احتیاطی متعارف را به نفع سرمایه‌گذار تجویز می‌کند و قاعده حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص اقدامات احتیاطی امکان‌پذیر که در ماده ۵۸ پروتکل الحاقی بیان شده است در این قسمت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. با توجه به اینکه هر دو قاعده حمایت و امنیت کامل و ماده ۵۸ پروتکل الحاقی، در زمان مخاصمات جهت حفاظت از سرمایه‌گذاران خارجی قابل اعمال هستند و کشور میزبان سرمایه‌گذاری ملزم به رعایت هر دو قاعده است، این سؤال مطرح می‌شود که تعامل این دو قاعده با یکدیگر در زمینه حفاظت از

سرمایه‌گذار خارجی در زمان مخاصمات مسلحانه چگونه خواهد بود. بر اساس گزارشی که کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل در خصوص رفع تعارض میان قواعد حقوق بین‌الملل و روابط میان آن‌ها ارائه داده است، رابطه بین قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه می‌تواند یکی از دو طبقه‌بندی ذیل باشد:

اول، رابطه تفسیری است؛ به این معنا که یکی از این قواعد به تفسیر قاعده دیگر به‌خصوص از طریق روند تفسیری که در قسمت (ج) بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین پیش‌بینی شده است، کمک می‌کند که در این صورت هر دو قاعد با یکدیگر همسو هستند.

دوم، رابطه تناقض است که قواعد معتبر قابل اعمال، نتایج متناقضی می‌دهند و باید میان آن‌ها یکی را انتخاب کرد (ILC, 2006: 18-20). ذیلاً به بررسی هر دو حالت فوق می‌پردازیم:

### ۳-۱. رابطه تفسیری

اولین حالتی که برای تعامل میان قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه فرض می‌شود آن است که از یکی از این قواعد برای تفسیر قاعده دیگر از طریق روند تفسیری که در قسمت (ج) بند ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین پیش‌بینی شده است استفاده شود که در نتیجه هر دو قاعده با یکدیگر در خصوص حفاظت از سرمایه‌گذاری خارجی در زمان مخاصمات همسو خواهند بود. مورد (ج) بند ۳ ماده ۳۱ بیان می‌دارد که برای تفسیر یک معاهده، علاوه بر متن خود آن معاهده باید به هر قاعده مرتبطی از حقوق بین‌الملل که در رابطه بین طرفین قابل اعمال است نیز توجه کرد.

به طور خلاصه، واژه «قاعده» که در ماده فوق آمده شامل معاهدات، عرف و اصول کلی می‌شود. ولی در مورد واژه «مرتبط» طیفی از دیدگاه‌ها وجود دارد. در یک سر این طیف، این دیدگاه است که قاعده حقوق بین‌الملل برای آنکه برای تفسیر «مرتبط» تشخیص داده شود، باید در خصوص موضوع همان معاهده مورد تفسیر باشد؛ اما در

سر دیگر این طیف، این دیدگاه است که تقریباً تمامی قواعد حقوق بین‌الملل را با مقداری تعدیل می‌توان با یکدیگر مرتبط دانست. اگر قاعده‌ای این شرایط را داشته باشد، همراه با متن خود معاهده برای تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفسیر به معنای فرآیند تعیین ماهیت و آثار حقوقی توافق طرفین است (Milanović, 2011: 96-97) و توجه به یک قاعده مرتبط برای تفسیر، نمی‌تواند معنای معاهده مورد تفسیر را عوض کند و تنها به‌عنوان یک راهنما مورد استفاده قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه ماده ۵۸ پروتکل الحاقی، یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی است که در خصوص حفاظت از غیرنظامیان در انواع مخاصمات مسلحانه قابل اعمال است و از طرف دیگر قاعده حمایت و امنیت کامل مندرج در معاهدات سرمایه‌گذاری در هنگام مخاصمات نیز دولت را ملزم به حفاظت از سرمایه‌گذار می‌کند، می‌توان گفت که قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه در باب حفاظت از سرمایه‌گذار خارجی در زمان مخاصمات، شرایط انتخاب شدن به‌عنوان قاعده مرتبط جهت کمک به تفسیر یکدیگر طبق ماده ۳۱ کنوانسیون وین را دارا هستند.

در پرونده سکوه‌های نفتی<sup>۱</sup> میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا، دیوان بین‌المللی دادگستری<sup>۲</sup>، اظهار داشت که اصول عرفی حق بر جنگ<sup>۳</sup> با تفسیر معاهدات مودت، تجارت و دریانوردی دارای ارتباط است (ICJ, 2005: 41). تقریباً مسلّم است که همین ارتباط میان قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری نیز وجود دارد (Simma, 2011: 585).

### ۲-۳. رابطه تناقض

گاه اعمال قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه به منظور حفاظت از سرمایه‌گذار خارجی در زمان مخاصمات مسلحانه نتایج متناقضی می‌دهند و این الزام به وجود می‌آید که یکی از آنها مورد انتخاب واقع شود.

- 
1. Oil Platforms
  2. International Court of Justice (ICJ)
  3. jus ad bellum

به طور مشخص، حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخی اقدامات خشونت‌آمیز علیه اهداف غیرنظامی را درجایی که این اهداف به دلیل استفاده نظامیان از آنها تبدیل به اهداف نظامی شده‌اند می‌پذیرد و یا حمله‌ای که الزامات اصل تناسب را رعایت کند و منافع نظامی قطعی برای حمله‌کنندگان داشته باشد، با ضرورت نظامی توجیه می‌شود (API, 1977: 52). به این معنا که تخریب یا توقیف اموال در دولت میزبان سرمایه‌گذاری ممنوع است مگر اینکه ضرورت نظامی چنین اقدامی را ایجاب کند؛ بنابراین دولت میزبان برای رفع مسئولیت خود باید اثبات کند که تخریب یا توقیف اموال، به دلیل ضرورت نظامی صورت گرفته است (Blum, 2010: 10).

نکته قابل ذکر آنکه، همان‌طور که ضرورت، انجام برخی اعمال متخلفانه را مجاز می‌کند، عدم ضرورت نیز می‌تواند انجام برخی امور قانونی را غیرمجاز کند که در شرایط عادی مجاز است. این‌گونه است که ضرورت نظامی به‌عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تنها مجاز‌کننده اعمال متخلفانه نیست بلکه گاه اعمال مجاز را هم غیرمجاز می‌کند (Venturini, 2010: 51)؛ به عبارت دیگر، عدم ضرورت، هر رفتاری را که منجر به آسیب و رنج شده و برای به دست آوردن منافع نظامی ضرورتی ندارد منع می‌کند (API:1977: 35)؛ در صورتی که ممکن است این اقدام علی‌رغم نداشتن ضرورت نظامی، برای حفاظت از سرمایه‌گذار ضروری باشد؛ بنابراین طبق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، فعلی که با ضرورت نظامی یا ترک فعلی که با عدم ضرورت نظامی قابل توجیه باشد، منجر به مسئولیت دولت میزبان نشده و در نتیجه جبران خسارتی به سرمایه‌گذار پرداخت نمی‌شود.

این امر باعث ایجاد تناقض‌هایی میان قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در باب حفاظت از سرمایه‌گذار خارجی می‌شود، زیرا طبق استاندارد حمایت و امنیت کامل در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، عدم انجام اقدامات مقتضی اگر منجر به تخریب اموال سرمایه‌گذار شود، حتی در مواردی که اموال توسط نظامیان مورد استفاده قرار گرفته و تبدیل به اهداف نظامی شده است، می‌تواند موجب مسئولیت دولت به جبران خسارت شود. همچنین اگر بر اساس ضرورت نظامی، دولت

اقدام به مصادره اموال سرمایه‌گذار کند، همچنان مسئول جبران خسارت سرمایه‌گذار است.

از آنجا که قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری هر دو در چنین وضعیت‌هایی قابل اعمال هستند، لازم است مشخص کنیم کدام‌یک از این دو قاعده، طبق قواعد اولویت حقوق بین‌الملل دارای اولویت است. به این منظور، از آنجا که قانون خاص، قانون عام را تخصیص می‌زند، باید بررسی کرد که قانون خاص در این زمینه کدام است. نکته بسیار مهم آن است که از منظر مسئولیت دولت‌ها، در صورت وقوع تعارض میان قوانین قابل اعمال، تنها نقض قانون خاص است که موجب ایجاد مسئولیت برای دولت می‌شود (Pauwelyn, 2003: 327).

یک قانون را به این اعتبار می‌توان به‌عنوان قانون خاص تشخیص داد که به موضوعی که در قانون عام هم به آن پرداخته شده به صورت مستقیم‌تر و دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری پرداخته باشد. با توجه به ملاک فوق‌الذکر در خصوص حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه دو دیدگاه وجود دارد که یکی حقوق بین‌الملل بشردوستانه و دیگری حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری را به‌عنوان قانون خاص شناسایی کرده است که ذیلاً به بررسی هر دو دیدگاه می‌پردازیم:

بر اساس دیدگاه اول، ماده ۵۸ پروتکل الحاقی همان قانون خاص است، زیرا استاندارد معاهداتی حمایت و امنیت کامل در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری برای روابط سرمایه‌گذاری میان طرفین تنظیم شده است و این استاندارد در هر شرایطی که سرمایه‌گذار در حال فعالیت باشد قابل اعمال است و جزئیات یا ترتیبات یا خصوصیاتی برای اعمال در زمان مخاصمات ندارد؛ اما بالعکس، حقوق بین‌الملل بشردوستانه به طور خاص در زمانی قابل اعمال است که یک اختلاف به آستانه مخاصمه رسیده باشد. ماده ۵۸ در واقع برای رسیدگی به شرایط خاص جنگی تهیه شده و بهتر می‌تواند این شرایط را در نظر بگیرد. همچنین این ماده به بحث الزام به انجام اقدامات احتیاطی در برابر حملات با جزئیات بیشتری می‌پردازد و قاعده‌ای است که به موضوع نزدیک‌تر است



(ILC, 2006: 60).

طبق این دیدگاه، تعیین ماده ۵۸ به‌عنوان قانون خاص، استاندارد معاهداتی حمایت و امنیت کامل را معلق یا لغو نمی‌کند. قواعد سرمایه‌گذاری همچنان به حمایت از سرمایه‌گذاری از جمله در زمان مخاصمات ادامه می‌دهند اما تنها در مواردی که حقوق بین‌الملل بشردوستانه قواعدی در خصوص آن نداشته باشد. برای مثال در زمان مخاصمات مسلحانه، دولت تعهد دیگری به حفاظت پلیسی از سرمایه‌گذار دارد که ارتباطی به خطرات عملیات نظامی و حقوق بین‌الملل بشردوستانه ندارد و نمونه آن حفاظت از اموال سرمایه‌گذار در برابر غارت شدن است که تحت استاندارد حمایت و امنیت کامل قرار می‌گیرد.

بر اساس دیدگاه دوم که در این مقاله نیز ارجح دانسته می‌شود، استاندارد حمایت و امنیت کامل در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری نسبت به حقوق بین‌الملل بشردوستانه حکم قانون خاص را پیدا می‌کند، زیرا این قانون به‌طور خاص برای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در تمامی وضعیت‌ها از جمله مخاصمات مسلحانه طراحی شده است؛ اما حقوق بین‌الملل بشردوستانه اصولاً با الزاماتی که در خصوص سرمایه‌گذاری باید رعایت شود بیگانه است و تنها به دلیل بحثی که در خصوص حفاظت از غیرنظامیان دارد، سرمایه‌گذاری خارجی را به صورت غیرتخصصی و بدون توجه به ویژگی‌های خاص آن در خیل عظیم غیرنظامیان جای می‌دهد. به‌طور کلی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه از اثرگذاری و کارایی کاملی در پوشش خسارات و آسیب‌های وارده به قربانیان و افراد زیان‌دیده بهره‌مند نیست (عابدینی، ۱۳۸۷: ۵۸۴-۵۸۵).

البته طبق این دیدگاه، قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌طور کلی کنار گذاشته نمی‌شوند؛ در مواردی که قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری نیاز به تفسیر داشته باشد و یا در مواردی که حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری ساکت است و یا اگر به هر دلیل دیگر سرمایه‌گذار نتواند بر حمایت معاهده سرمایه‌گذاری تکیه کند، تنها ابزار حمایت از اموال وی، قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مورد حفاظت از اموال غیرنظامیان در زمان جنگ خواهد بود که تعهدات یکسانی را بر طرفین مخاصمه

مبنی بر تخریب و توقیف نکردن اموال غیرنظامیان بار می‌کند مگر اینکه اقدامات دولت بر اساس ضرورت نظامی توجیه شود یا دولت مسئول جبران خسارات وارده باشد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری در خصوص حفاظت از سرمایه‌گذاری و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص حفاظت از غیرنظامیان، هر دو در صورت آسیب دیدن سرمایه‌گذاری در مخاصمات مسلحانه معتبر هستند، در این مقاله پیشنهاد شده است که دیوان‌های داوری، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری را نسبت به حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌عنوان قانون خاص انتخاب کنند؛ زیرا مقررات آن به طور خاص برای حمایت از سرمایه‌گذار خارجی در تمامی وضعیت‌ها اعم از مخاصمات مسلحانه طراحی شده است.

از آنجا که حقوق بین‌الملل بشردوستانه با دیدگاهی غیرتخصصی و بدون توجه به ویژگی‌های خاص سرمایه‌گذاری می‌کوشد تا سرمایه‌گذاران خارجی را نیز به‌عنوان بخشی از غیرنظامیان با قواعد کلی خود مورد حمایت قرار دهد، قادر به محافظت مؤثر از سرمایه‌گذاری‌های خارجی نخواهد بود و انتخاب آن به‌عنوان قانون خاص توسط دیوان‌های داوری موجب تضییع منافع سرمایه‌گذار آسیب دیده خواهد شد.

برای مثال، حقوق بین‌الملل بشردوستانه طبق ماده ۵۲ پروتکل، برخی اقدامات خشونت‌آمیز علیه اهداف غیرنظامی از جمله سرمایه‌گذاری خارجی را درجایی که این اهداف به دلیل استفاده نظامیان از آن‌ها تبدیل به اهداف نظامی شده‌اند می‌پذیرد؛ در صورتی که حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری فاقد چنین استثنایی است و در خصوص جبران خسارت سرمایه‌گذار خارجی اطلاق دارد. به بیان دیگر، طبق حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، عدم انجام اقدامات مقتضی اگر منجر به تخریب اموال سرمایه‌گذار شود، حتی در مواردی که اموال توسط نظامیان مورد استفاده قرار گرفته و تبدیل به اهداف نظامی شده است، می‌تواند موجب مسئولیت دولت به جبران خسارت سرمایه‌گذار شود. همچنین، دولت میزبان طبق حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری تعهدات جامع‌تری را برای

حفاظت از سرمایه‌گذار بر عهده دارد که یک نمونه از آن، حفاظت پلیسی از سرمایه‌گذار است که مصداق آن حفاظت از اموال سرمایه‌گذار در برابر غارت شدن است اما از آنجا که این امر ارتباطی با خطرات عملیات نظامی ندارد، در حقوق بین‌الملل بشردوستانه قواعدی برای آن پیش‌بینی نشده است.

البته تعیین قواعد حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری به‌عنوان قانون خاص، موجب کنار گذاشتن قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نخواهد شد و در مواردی که حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری سکوت کرده و یا نیاز به تفسیر دارد و یا به هر دلیل سرمایه‌گذار نمی‌تواند بر معاهده سرمایه‌گذاری تکیه کند، می‌توان از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه که ناظر به حفاظت از غیرنظامیان در زمان مخاصمات است برای احقاق حقوق سرمایه‌گذار استفاده کرد.

### منابع

#### الف. فارسی

حسیبی، به‌آذین (۱۳۹۰) دولت و سرمایه‌گذاران خارجی: استانداردهای بین‌المللی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

دالزر، رودلف و شروتر، کریستف (۱۳۹۵) اصول حقوق بین‌الملل و سرمایه‌گذاری، ترجمه سید قاسم زمانی، به‌آذین حسیبی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

رئیس، لیلا و انصاری مهیاری، علیرضا (۱۳۹۷) «استانداردهای بین‌المللی حمایت از سرمایه‌گذار خارجی»، دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، سال بیست و پنجم، شماره ۱۳، صص ۸۸-۴۷.

شیروی، عبدالحسین و پور اسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۲) «امنیت ملی در حقوق سرمایه‌گذاری»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۳، صص ۵۱-۳۳.

عابدینی، عبدالله (۱۳۹۷) «موانع جبران خسارت از افراد زیان‌دیده به‌واسطه نقض‌های

- فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه: تحولات معاصر حقوق بین الملل»،  
 فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۸۴، شماره ۳، صص ۵۹۸-۵۹۳.
- عسکری، پوریا (۱۳۹۴) «حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در رویه داوری بین‌المللی،  
 تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- عسکری، پوریا (۱۳۹۷) «حقوق بشردوستانه و کاربرد سلاح‌های انفجاری متعارف در  
 مناطق پرجمعیت»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال بیستم، شماره ۵۹،  
 صص ۱۳۶-۱۱۵.
- غمامی، مجید و صدیقی، ریحانه (۱۳۹۷) «شرط انکار منافع در معاهدات  
 سرمایه‌گذاری»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۸، شماره ۱، صص  
 ۱۳۱-۱۱۵.
- میرعباسی، سیدباقر و سیاوش پور، حمیدرضا (۱۳۹۸) «حمایت دیپلماتیک در چارچوب  
 معاهدات بین‌المللی سرمایه‌گذاری»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۹،  
 شماره ۴، صص ۱۱۲۵-۱۱۰۹.

#### ب. انگلیسی

- Blum, Gabreilla (2010) "The Laws of War and the Lesser Evil", **Yale Journal of International Law**, Vol. 35, Issue 1, pp.1-69.
- Downs, Erica (2012) "China Buys into Afghanistan", **School of Advanced International Studies (SAIS)**, Vol 32, No.2, pp.65-84.
- Gasser, Hans-Peter & et al. (1987) **Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949**, Netherlands, Martinus Nijhoff Publishers.
- Milanović, Marko (2011) "Norm Conflicts, International Humanitarian Law and Human Rights Law", Collected Courses of the Academy of European Law, **Oxford University Press**, Vol. XIX/1, Orna Ben-Naftali ed, pp 90-126.
- Pauwelyn, Joost (2003) **Conflict of Norms in Public International Law**, England, Cambridge University Press.
- Rogers, Anthony (1999) **Law on the Battlefield**, England, Manchester University Press.

- Schmitt, Michael (2005) “War, Technology and International Humanitarian Law”, **Harvard Program on Humanitarian Policy and Conflict Research**, Occasional Paper 4, pp. 137-182.
- Simma, Bruno (2011) “Foreign Investment Arbitration: A Place for Human Rights?”, **International Comparative Law Quarterly**, Vol. 60, No. 3, pp. 573-596.
- Trapp, Kimberley (2011) **State Responsibility for International Terrorism**, England, Oxford University Press.
- Trapp, Kimberly (2013) “Great Resources Mean Great Responsibility: A Framework of Analysis for Assessing Compliance with API Obligations in the Information Age”, **International Humanitarian Law and the Changing Technology of War**, **Martinus Nijhoff Publishers**, pp 153-170.
- Venturini, Gabriella (2010) “Necessity in the Law of Armed Conflict and in International Criminal Law”, **Cambridge University Press**, Vol.41, pp.45-78.

### Documents

- ICJ (International Court of Justice) (2003) **Islamic Republic of Iran v. United States of America**.
- International Law Commission (2006) **Fragmentation of International Law: Difficulties Arising from the Diversification and Expansion International Law**, Report of the Study Group of the International Law Commission, UN Doc A/CN.4/L.682.
- ILC (International Law Commission) (2011) **Draft Articles on the Effects of Armed Conflict on Treaties**.
- API, Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949 and relating to the **Protection of Victims of International Armed Conflicts** (1977).
- DoD, (Department of Defense) (2015) **Law of War Manual**.